

مختصری از احکام نوزاد و فرهنگ نامها

تألیف:

شیخ موسی بازماندگان

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

۳	مختصری از احکام نوزاد
۳	دعای طلب فرزند
۴	دعای تبریک و تهنیت
۴	اذان گفتن در گوش نوزاد
۵	تحنیک
۶	تراشیدن سر نوزاد
۶	احکام عقیقه نوزاد
۸	ختنه
۹	نام‌گذاری نوزاد
۹	اسم‌های محبوب
۱۰	اسم‌های حرام
۱۰	اسم‌های مکروه
۱۱	اسامی پیامبران ذکر شده در قرآن
۱۲	نام‌گذاری به نام فرشتگان
۱۳	نکاتی مهم در نام‌گذاری
۱۴	دعای تعویذ کودک
۱۵	پیوست‌ها
۱۵	پیوست ۱: ماده ۱۲ قانون ثبت احوال کشور (ایران) در خصوص ثبت ولادت

۱۵	مدارک مورد نیاز:
۱۶	نامگذاری:
۱۶	نحوه مراجعه و دریافت شناسنامه:
۱۶	توصیه‌های ضروری:
۱۷	تعاریف و مفاهیم:
۱۷	سند:
۱۷	شناسنامه:
۱۸	سؤالات انتقادات و پیشنهادات
۱۸	پیوست ۲: نام‌های پسران و دختران
۱۸	نام‌های پسران:
۴۳	نام‌های دختران:

مختصری از احکام نوزاد

مقاله حاضر خلاصه‌ای است از احکام نوزاد که از منابع و مراجع اسلامی جمع‌آوری نموده‌ام تا پدران و مادران دلسوز و مؤمنی که از بدو تولد به فرزندانشان اهمیت می‌دهند؛ بتوانند یک سری احکام وارد شده و برگرفته شده از احادیث صحیح رسول الله ﷺ را اجرا کنند.

بعضی از احکام بعد از تولد نوزاد فوراً انجام می‌گیرد، همانند: اذان گفتن در گوش نوزاد و تحنیک، بعضی از احکام هم در روز هفتم، که عبارتند: از عقیقه، تراشیدن سر، نام‌گذاری و ختنه.

دعای طلب فرزند

﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ [الفرقان: ۷۴]
«پروردگارا همسران و فرزندان به ما عطا فرما که باعث روشنی چشمانمان گردند و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان.»

﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [الصافات: ۱۰۱-۱۰۰]

«پروردگارا، فرزندان شایسته‌ای به من عطا کن.»

﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾ [آل عمران: ۳۸]

«پروردگارا فرزند شایسته‌ای از جانب خویش به من عطا فرما بی‌گمان تو شنونده‌ی دعائی.»

﴿رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ

وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [الأحقاف: ۱۵]

«پروردگارا به من توفیق عطا فرما تا شکر نعمتی را بجای آورم که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای، و کارهای نیکویی را انجام دهم که می‌پسندی و مایه خوشنودی تو است و فرزندانم را صالح گردان و صلاح و نیکویی را در میان نسلم تداوم بخش، من به سوی تو توبه می‌کنم و من از زمره‌ی مسلمانان و تسلیم شدگان فرمان خدا هستم».

دعای تبریک و تهنیت

حسن بصری هنگامی که نوزادی متولد می‌گردید به آن‌ها چنین تبریک می‌گفت:

«جَعَلَهُ اللهُ مُبَارَكًا عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ».

امام نووی در اذکار این دعا را نیز نقل کرده است: «بَارَكَ اللهُ لَكَ فِي الْمَوْهُوبِ لَكَ، وَشَكَرْتَ الْوَاهِبَ، وَبَلَغَ أَشُدَّهُ، وَرَزَقْتَ بَرَّةً».

خداوند در آنچه به تو عنایت کرده برکت اندازد و بخشنده را شکرگزار باش و نوزاد را کمال قدرت دهد و از نیکی و فضل خدا بهره‌مند شدی.

و او در جواب می‌گوید: «بَارَكَ اللهُ لَكَ وَبَارَكَ عَلَيْكَ، وَجَزَاكَ اللهُ خَيْرًا، وَرَزَقَكَ اللهُ مِثْلَهُ، وَأَجْزَلَ ثَوَابِكَ».

شخص مقابل می‌گوید: برکت خداوندی بر تو و برای تو باد! خداوند به تو پاداش نیک عطا فرماید و همانند این، روزی و نصیبت نماید و ثوابت را افزون فرماید!

اذان گفتن در گوش نوزاد

از مستحبات شرع بعد از تولد، گفتن اذان در گوش نوزاد است.

عَنْ أَبِي رَافِعٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ أَذَّنَ فِي أُذُنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ حِينَ وَلَدَتْهُ فَاطِمَةُ بِالصَّلَاةِ».

از ابو رافع رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت است که گفت: «پیامبر ﷺ را دیدم که زمان تولد حسن بن علی در گوشش اذانی همانند اذان نماز گفت».

حکمت گفتن اذان این است که نخستین ندایی که گوش را می‌نوازد، واژه‌های بلند مرتبه‌ی اذان باشد، که در بر گیرنده وصف عظمت و اقتدار پروردگار است. همان طوری که کلمه‌ی توحید در هنگام خروج از دنیا به او یادآوری می‌شود. از دیگر فواید اذان فرار شیطان از کلمات اذان است.

امروزه که مادران جهت وضع حمل به بیمارستان یا زایشگاه مراجعه می‌کنند اذان گفتن در گوش نوزاد به باد فراموشی سپرده شده است. پرستارها و ماماها هم مجالی برای این کار نیافته یا اهمیتی به آن نمی‌دهند. این جاست که خود والدین باید به این قضیه اهمیت دهند و به آن جامه عمل بپوشانند.

درباره اقامه گفتن در گوش چپ، هیچ دلیل صحیحی وجود ندارد، ولی بعضی از علما قیاس بر اذان، اقامه گفتن در گوش چپ را کاری شایسته می‌دانند.

تحنیک

تحنیک، عبارت است از جویدن و نرم کردن خرما و گذاشتن مقدار کمی از آن با انگشت در سقف دهان (کام) نوزاد. بهتر است انسان صالحی فوراً بعد از تولد، عهده‌دار این عمل باشد.

عَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: «وُلِدَ لِي غُلَامٌ فَاتَيْتُ بِهِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَمَّاهُ إِبْرَاهِيمَ وَحَنَكُهُ بِتَمْرَةٍ وَدَعَا لَهُ بِالْبُرْكََةِ وَدَفَعَهُ إِلَيَّ وَكَانَ أَكْبَرَ وَلَدِي».

ابوموسی اشعری می‌گوید: «فرزندی برایم متولد شد. او را به خدمت رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آوردم. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را ابراهیم نام‌گذاری نموده و با خرما او را تحنیک کردند. و برایش دعای خیر و برکت نموده و نوزاد را به من تحویل دادند. او بزرگ‌ترین فرزندم بود.»

حکمت و فلسفه‌ی تحنیک این است که نوزادان و کودکان، به ویژه آنان که تازه به دنیا می‌آیند، به علت دو امر زیر در معرض مرگ قرار می‌گیرند:

الف) در اثر گرسنگی مقدار قند خون آنان کاهش می‌یابد.

ب) هرگاه درجه حرارت بدنشان به واسطه قرار گرفتن آنان در محیط سرد، پایین آید. تحنیک مقدار قند خون کاهش یافته را جبران نموده و درجه حرارت بدن را تنظیم کند.

تراشیدن سر نوزاد

از دیگر سنت‌های مستحب و پسندیده، تراشیدن موی سر نوزاد در روز هفتم و وزن کردن موهای تراشیده شده با نقره و دادن همان مقدار پول به فقرا به عنوان صدقه است. **عَنْ سَمْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «كُلُّ غُلَامٍ رَهِينَةٌ بَعْقِيَّتِهِ تُذْبِحُ عَنْهُ يَوْمَ السَّابِعِ وَيُحْلَقُ رَأْسُهُ».** از سمره رضی الله عنہا روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر نوزادی در گرو عقیقه‌اش است. برایش گوسفندی در روز هفتم ذبح می‌گردد و موی سرش تراشیده می‌شود.» حکمت تخصیص نقره جهت صدقه به وزن موی نوزاد این است که اگر به جای نقره، طلا تعیین می‌شد مسلماً به جز افراد ثروتمند کسی از عهده تهیه آن بر نمی‌آمد. تراشیدن موی سر فواید زیادی دارد که به چند مورد از آن اشاره می‌کنیم.

۱- تراشیدن موی سر باعث باز شدن منافذ پوست سر و همچنین تقویت حس بینایی، بویایی و شنوایی می‌گردد. امر پیامبر صلی الله علیه و آله بر اهمیت قضیه دلالت دارد؛ چون حکمت‌هایی در آن نهفته است که مؤمن با اجرای آن از فواید دنیوی و اجر اخروی برخوردار می‌گردد.

۲- حکمت اجتماعی: اگر برابر وزن موی تراشیده شده، نقره به عنوان صدقه بین فقرا و مساکین توزیع گردد، سبب دفع فقر از جامعه می‌گردد.

توجه: سعی گردد در زمان تراشیدن، سر نوزاد را خیس نموده و چند بار تیغ را عوض نمایید، تا نوزاد مورد اذیت قرار نگیرد.

احکام عقیقه نوزاد

عقیقه در لغت به معنای قطع رابطه کردن و در اصطلاح شرع یعنی ذبح نمودن گوسفند در روز هفتم ولادت نوزاد است.

عَنْ سَمُرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «كُلُّ غُلَامٍ رَهِيئَةٌ بِعَقِيْقَتِهِ تُذْبِحُ عَنْهُ يَوْمَ السَّابِعِ وَيُحْلَقُ رَأْسُهُ».

از سمرة رضی الله عنها روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «هر نوزادی در گرو عقیده‌اش است. برایش گوسفندی در روز هفتم ذبح می‌گردد و سرش تراشیده می‌شود.»
از انس رضی الله عنه روایت است که در مورد عقیده پیامبر ﷺ می‌گفت: «عَقَى عَنْ نَفْسِهِ بَعْدَ مَا بُعِثَ نَبِيًّا» «پیامبر ﷺ برای خویش، بعد از اینکه به پیامبری مبعوث گردید، عقیده نمودند.»
حسن بصری می‌گفت: اگر برایت عقیده نکرده‌اند، برای خودت اگر چه سن بالای داری عقیده کن.

نکاتی مهم در مورد عقیده

الف) عن عائشة رضي الله عنها مرفوعاً: «عَنِ الْغُلَامِ شَاتَانِ مُكَافِئَتَانِ وَعَنِ الْجَارِيَةِ شَاةٌ».
ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها از پیامبر ﷺ نقل می‌کند: «برای پسر دو گوسفند هم سن و سال و برای دختر یک گوسفند است.»
ب) علما عقیده دارند که احکام حیوان عقیده با احکام حیوان قربانی فرقی ندارد و مهم این است که قربانی سالم و بدون عیب و نقص باشد. و نر و ماده بودن حیوان مشکلی ندارد.
ج) شایسته است گوشت عقیده به صورت خام یا پخته بین دوستان، اقوام، فقرا و مساکین توزیع شود و خود پدر و سایر اعضای خانواده می‌توانند از گوشت عقیده استفاده کنند.

ه) آغشته نمودن پیشانی نوزاد به خون حیوان مذبح از اعمال جاهلیت است.
عن أَبِي بُرَيْدَةَ رضي الله عنه يَقُولُ: «كُنَّا فِي الْجَاهِلِيَّةِ إِذَا وُلِدَ لِأَحَدِنَا غُلَامٌ ذَبَحَ شَاةً وَلَطَخَ رَأْسَهُ بِدَمِهَا فَلَمَّا جَاءَ اللَّهُ بِالْإِسْلَامِ كُنَّا نَذْبِحُ شَاةً وَنَحْلِقُ رَأْسَهُ وَنُلَطِّخُهُ بِرَعْفَرَانٍ».

از بریده رضی الله عنه روایت است که می‌گفت: «در زمان جاهلیت هنگامی که فرزندی برایمان متولد می‌شد، عادت داشتیم که پس از ذبح حیوان، پیشانی نوزاد را به خون آن حیوان آغشته می‌کردیم. زمانی که خداوند اسلام را نصیب ما نمود. عقیقه می‌نمودیم و موی فرزند را تراشیده و سرش را آغشته به زعفران می‌نمودیم.

ختنه

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «الْفِطْرَةُ خَمْسٌ: الْخِتَانُ وَالِاسْتِحْدَادُ وَقَصُّ الشَّارِبِ وَتَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ وَتَنْفُ الْإِبْطِ».

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «فطرت پنج چیز است: ختنه، تراشیدن موی شرم‌گاه، کوتاه کردن سبیل، گرفتن ناخن و کندن موی زیر بغل». مستحب است ختنه در روز هفتم تولد نوزاد انجام گیرد.

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رضی الله عنه: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَقَّ عَنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَخَتَنَهُمَا لِسَبْعَةِ أَيَّامٍ». جابر بن عبدالله رضی الله عنه می‌گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله روز هفتم برای حسن و حسین عقیقه نموده و آن دو را ختنه کردند».

علما معتقدند که ختنه باید قبل از بلوغ صورت گیرد. تا زمانی که فرد مکلف شد بتواند احکام شرع را به راحتی انجام دهد و در طهارت خود با مشکلی رو به رو نشود؛ زیرا هر چه ختنه با تأخیر انجام گیرد سبب اذیت شدن کودک و به طول انجامیدن بیشتر زخم آن می‌شود.

نام‌گذاری نوزاد

فرزند به عنوان یادگار پدر و مادر باقی می‌ماند و نام آن‌ها را زنده نگه می‌دارد. بنابراین والدین باید در انتخاب نام یادگارشان دقت عمل به خرج داده و رابطه اسم با مسمی را به خاطر بسپارند.

از حقوق فرزند بر والدین، انتخاب بهترین و زیباترین نام‌ها برای فرزند است. منظور از نام زیبا، نامی است که از دیدگاه شرع پسندیده و دارای معانی نیکو باشد که شامل اسامی انبیا، صحابه، علما، دلاوران میدان جنگ و شهدا است. متأسفانه با اینکه فرهنگ اسلام غنی و گسترده است، اما مسلمانان تحت تأثیر فرهنگ بیگانگان قرار گرفته و اسم‌های کاملاً بیگانه برای فرزندان خود انتخاب می‌کنند.

چنانچه از احادیث فهمیده می‌شود نام‌گذاری می‌تواند در روزهای مختلفی از جمله همان روز اول ولادت در زمان تحنیک یا سه روز بعد، یا در روز هفتم که سنت عقیقه به جا آورده می‌شود، انجام گیرد.

اسم‌های محبوب

عَنْ أَبِي وَهَبٍ الْجُشَمِيِّ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «وَأَحَبُّ الْأَسْمَاءِ إِلَى اللَّهِ عَبْدُ اللَّهِ وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ وَأَصْدَقُهَا حَارِثٌ وَهَمَامٌ وَأَفْبَحُهَا حَرْبٌ وَوَمْرَةٌ».

از ابو وهب رضي الله عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمودند: «به اسم پیامبران نام‌گذاری کنید و محبوب‌ترین اسم‌ها نزد خداوند، عبدالله و عبدالرحمن و راست‌ترین و درست‌ترین اسم‌ها حارث و همام و زشت‌ترین اسم‌ها حرب [جنگ] و مره است.» شاید بعضی از اسم‌ها نزد انسان محبوب باشد، ولی سعی گردد اسم‌های محبوب نزد خداوند را ترجیح دهیم همان طوری که رسول خدا ﷺ عمل می‌نمود.

اسم‌های حرام

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَخْنَى الْأَسْمَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ اللَّهِ رَجُلٌ تَسَمَّى مَلِكَ الْأَمْلَاقِ، لَا مَلِكَ إِلَّا اللَّهُ».

از ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که گفت: پیامبر ﷺ فرمودند: «روز قیامت نامی که از تمام نام‌ها بیشتر مورد خشم و غضب الهی قرار می‌گیرد، شخصی است که به نام شاهنشاه نام‌گذاری شده است، پادشاهی جز خداوند نیست.»

زیرا شاه شاهان، کسی جز خدا نیست و کلیه اسم‌هایی که عبودیت برای غیر خدا را می‌رساند مانند عبدالعزی، عبدالکعبه، عبدالنبی، عبدالرسول و... و نام‌گذاری به نام خداوند بدون اضافه نمودن لفظ «عبد» قبل از آن، حکم تحریم دارد. مانند خالق، صمد و...

یادآوری می‌کنم که در بحث اسامی خداوند باید دانست که نام‌های خداوند توقیفی است یعنی می‌بایست خداوند، خود را با آن نام‌ها معرفی کرده باشد و ما حق نداریم از نزد خود نامی را به خداوند نسبت دهیم، گر چه آن اسم در معنا صحیح باشد. به عنوان مثال ما نمی‌توانیم اسم‌های (عبدالمقصود، عبدالستار، عبدالموجود، عبدالمعبود، عبدالهو، عبدالمرسل، عبدالوحد، عبدالطالب، عبدالقدیم) را به خداوند نسبت دهیم. می‌توان به جای الموجود که از اسامی خدا نیست «عبد الواجد» و همچنین به جای عبدالعال «عبدالاعلی» یا «عبدالمتعال» و به جای عبدالستار و عبدالساتر «عبدالستیر» و به جای عبدالعاطی «عبدالمعطی» نام‌گذاری کنیم.

اسم‌های مکروه

طبری می‌گوید: نام‌گذاری به اسم‌هایی که دارای معانی زشت است یا در آن تزکیه نفس وجود دارد یا معانی دشنام را داراست، شایسته نیست. ابن حجر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بعد از نقل گفته‌ی طبری، از ابو داود نام‌هایی را که پیامبر ﷺ تغییر دادند برای ما نقل می‌کند. (البته

ابو داود جهت اختصار اسناد را حذف نموده است) عاصی (گناه‌کار، طغیانگر)، عزیز (از نام‌های خداوند)، عتله (شدت و غلظت)، شیطان (از ریشه شطن به معنی دور)، حُکَم (که داور حقیقی خداوند است)، غُراب (کلاغ - از ریشه‌ی غَرَب به معنای بُعد و دوری)، حُبَاب (نوعی مار)، شهاب (اخگر) و حرب (جنگ)

وُصَال (حمله و هجوم)، سُهَام (تغییرکردن رنگ در اثر لاغری)، نِهَاد (پستان برجسته)، غَاذَه (نرم اندام)، فَتْنَه (آشوبگر)، هِیَام (عاشق سرگشته)، حِیْفَاء (کمر باریک)، و میاوه (زن لرزان)، و قیاس بر این اسامی، تمام اسم‌هایی را که لفظ دین یا اسلام به آن‌ها اضافه شده، مانند عز الدین، شمس الدین، صلاح الدین، محیی الدین، ناصر الدین، نور الدین، ضیاء الدین، سیف الاسلام، نور الاسلام و ...، به دلیل عظمت و شکوه این دو لفظ (اسلام و دین) و نیز به وجود آمدن حالت کذب و دروغ به هنگام صدا زدن شخص، در حالی که مستحق آن لقب نیست. نامگذاری به این نام‌ها طبق نظر اکثر علما مکروه است. برخی از علما که چنین القابی به آن‌ها داده شده است، همانند امام نووی (محبی الدین) و ابن تیمیه (تقی الدین)، دوست نداشتند که با این القاب صدا زده شوند.

توجه: نام‌گذاری به نام‌هایی که در فرهنگ اسلامی نیست، به شرطی جایز است که معانی مخالف شرع نداشته باشد و همچنین این اسامی سبب خود باختگی و تقلید از فرهنگ غیر اسلامی و بیگانه نگردد.

اسامی پیامبران ذکر شده در قرآن

پیامبران اولو العزم: محمد، عیسی، موسی، ابراهیم و نوح.

سایر پیامبران: آدم، ادریس، هود، صالح، لوط، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، یوسف، شعیب، ایوب، ذوالکفل، هارون، داود، سلیمان، الیاس، یسع، یونس، زکریا و یحیی.

اسامی ذکر شده در حدیث: شیث، یوشع بن نون.

نام‌های پیامبر ﷺ: بعضی از نام‌های پیامبر ﷺ در آیات و احادیث صحیح ذکر شده، که به آن اشاره می‌گردد.

از جمله محمد، احمد، ماحی، حاشر، عاقب، خاتم، المقفی، شاهد، مبشر، رسول، هادی، متوکل، فاتح، امین، مصطفی، نذیر.

عامه مردم می‌گویند: یاسین و طاها از اسم‌های پیامبر ﷺ است، لیکن هیچ دلیل صحیحی برای آن وجود ندارد و طاها (طه) و یاسین (یس) جزو حروف مقطعه قرآن مانند الم، حم و الر است. در کتاب‌های لغت اشاره شده، که این کلمات زبان عبرانی است که به معنی یا رجل (ای مرد!) است.

نام‌گذاری به نام فرشتگان

علما در مورد نام‌گذاری فرزندان به اسم فرشتگان، اختلاف نظر دارند. امام مالک و ابن قیم آن را مکروه می‌دانند. ابن قیم در فصل اسم‌های مکروه، می‌گوید: «از جمله‌ی اسم‌های مکروه نام‌گذاری به اسم فرشته‌ها مانند جبرئیل، میکائیل و اسرافیل است».

جمهور علما، نام‌گذاری به اسم فرشتگان را جایز می‌دانند. از حماد بن سلمه در مورد کسی که خود را جبرئیل و میکائیل نامیده است، سؤال شد. گفت: اشکالی ندارد. امام نووی می‌گوید: در مذهب ما (شافعی) و مذهب جمهور علما نام‌گذاری به اسم انبیا و فرشتگان جایز است؛ زیرا رسول الله ﷺ یکی از فرزندانش را ابراهیم نام نهاد. در میان صحابه نیز چنین اسم‌هایی وجود داشته‌اند. مثلاً مالک (مالک بن انس) نام فرشته‌ی نگهبان جهنم نیز است.

ولی اگر نام‌گذاری نکنیم بهتر است، خصوصاً نام‌گذاری پسر با نام فرشتگان مشهوری مانند جبرئیل و میکائیل و نام‌گذاری دختر با نام فرشته.

نکاتی مهم در نام‌گذاری

لازم است والدین محترم در انتخاب اسم فرزند نکات ذیل را به ترتیب مد نظر قرار دهند:

۱- محبوب‌ترین اسامی نزد خداوند، مدنظرشان باشد که عبارتند از: عبدالله و عبدالرحمن. و کلیه‌ی نام‌هایی که عبودیت خدا در آنها باشد. و اولین مولود مهاجرین عبدالله نامیده شد (عبدالله بن زبیر)، و نزدیک به ۳۰۰ نفر از صحابه همگی عبدالله نام دارند.

۲- نام‌گذاری به اسامی انبیاء، خود پیامبر ﷺ نیز یکی از فرزندانش را ابراهیم نام می‌نهد.

۳- نام‌گذاری به اسامی صحابه و صلحاء به قصد تقرب به سوی خداوند با زنده کردن نامشان و اظهار حب نسبت به آنها.

۴- اسم ساده و روان بوده و طولانی نباشد.

۵- دارای معنی و مفهوم نیک، زیبا، متناسب با مسمی و مناسب در فرهنگ اسلامی باشد.

۶- هر چیز قدیمی به خاطر قدمتش نمی‌تواند نیکو و پسندیده باشد چه بسا اسم‌های قدیمی وجود دارد که معانی آنها قابل قبول نمی‌باشد.

۷- پدر و مادر مؤمن و مسلمان یادت باشد خانه‌ات از این نام‌های شریف، و پر برکت مانند: عبدالله، عبدالرحمن، محمد، احمد، ابراهیم، خدیجه، عائشه و فاطمه و... خالی نباشد.

دعای تعویذ کودک

«أُعِيدُكَ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ».

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رضي الله عنه قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُعَوِّذُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ يَقُولُ أُعِيدُكُمَا بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ وَيَقُولُ هَكَذَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يُعَوِّذُ إِسْحَاقَ وَإِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»

از ابن عباس رضي الله عنه روایت شده است که گفت: رسول الله ﷺ حسن و حسین را چنین تعویذ می فرمود: شما دو نفر را از شر هر شیطانی و جانور زهر دار و از هر چشم بد در پناه کلمات تامات الهی در می آورم، و می فرمود ابراهیم عليه السلام این چنین اسحاق و اسماعیل را تعویذ می داد.

از خداوند منان می خواهیم که این عمل را مقبول درگاه خویش قرار داده و من و کلیه عزیزانی را که در تهیة آن مرا یاری کرده اند، همراه انبیا و صالحین محشور بفرمایند.

مَا أَصَبْتُ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَخْطَأْتُ فَمِنَ نَفْسِي وَمِنَ الشَّيْطَانِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ

إِلَيْكَ».

پیوست‌ها

پیوست ۱: ماده ۱۲ قانون ثبت احوال کشور (ایران) در خصوص ثبت ولادت

ولادت هر طفل در ایران اعم از اینکه پدر و مادر طفل ایرانی یا خارجی باشند باید به نماینده یا مأمور ثبت احوال اعلام شود و ولادت اطفال ایرانیان مقیم خارج از کشور بمأمور کنسولی ایران در محل اقامت و اگر نباشد بنزدیک‌ترین مأمور کنسولی و یا سازمان ثبت احوال کشور اعلام می‌شود.

هر یک از اشخاص زیر می‌توانند با مراجعه به ادارات ثبت احوال نسبت به اعلام ولادت و اخذ شناسنامه نوزاد اقدام نمایند:

الف - پدر

ب- پدر یا جد پدری با ارائه شناسنامه

ج- مادر در صورتی که ازدواج او قانوناً به ثبت رسیده باشد - در صورتی که ازدواج

پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد، حضور والدین ضروری است

وصی یا قیم یا امین با ارائه مدارک ذریبط

د- متصدی یا نماینده‌ای که طفل به آنجا سپرده شده است

ه- صاحب واقعه که سن او ۱۸ سال تمام به بالا باشد

مدارک مورد نیاز:

الف- اصل شناسنامه پدر و مادر

ب- گواهی ولادت صادره توسط پزشک یا مامای رسمی

ج- فیش بانکی نزد بانک ملی بنام سازمان ثبت احوال کشور

حضور یکی از والدین یا جد پدری و چنانچه ازدواج پدر و مادر طفل به ثبت نرسیده

باشد اعلام ولادت و امضاء اسناد متفقاً به عهده پدر و مادر خواهد بود

نامگذاری:

- الف- انتخاب نام نوزاد به عهده اعلام کننده است
- ب- برای نامگذاری، یک نام ساده و یا مرکب که عرفاً یک نام محسوب می‌شود قابل انتخاب است
- ج- انتخاب نامهایی که موجب هتک حیثیت مقدسات اسلامی می‌گردد و همچنین انتخاب عناوین و القاب و نام‌های زننده مستهجن یا نامتناسب با جنس ممنوع است
- د- انتخاب نام در مورد اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی تابع زبان و فرهنگ دینی آنان است
- ذکر سیادت در مورد ساداتی که سیادت آنها در شناسنامه پدر یا جد پدری مندرج باشد الزامی است

نحوه مراجعه و دریافت شناسنامه:

جهت اخذ شناسنامه نوزاد کلیه ادارات ثبت احوال سراسر کشور آمادگی دارند در ساعات و ایام اداری پاسخگوی مراجعین محترم باشند و در صورت تکمیل بودن مدارک لازم و مراجعه قبل از ساعت ۱۰ صبح سند سجلی تنظیم و شناسنامه نوزاد در همان روز صادر و تحویل میگردد.

توصیه‌های ضروری:

- الف- اصلح است که واقعه ولادت در ظرف مهلت مقرر (۱۵ روز) به ادارات ثبت احوال اعلام گردد.
- ب- از آنجاییکه پس از صدور شناسنامه تغییر نام به سادگی امکان پذیر نیست مناسب است در هنگام نامگذاری تمامی جوانب امر بویژه رعایت فرهنگ اسلامی، ایرانی، و شخصیت آینده طفل خود را مد نظر قرار دهید.

- ج- صدور شناسنامه مستلزم تنظیم سند سجلی است، با توجه به اهمیت موضوع لازم است قبل از امضاء اسناد مربوطه از صحت مندرجات اطمینان حاصل نمایید.
- ه- بهنگام دریافت شناسنامه از صحت مندرجات آن اطمینان حاصل نمایید.
- و- صدور شناسنامه مجدد محدودیت قانونی دارد لذا در حفظ و نگهداری آن دقت لازم را معمول فرمائید.
- ز - درج هرگونه مهر، نشانه و نوشتار در شناسنامه‌های نوزاد (نمونه جدید) اکیدا" ممنوع است.
- ح- دست بردن در مندرجات شناسنامه بهر صورت اکیدا" ممنوع و با متخلفین برابر قانون رفتار خواهد شد.
- ط - ودیعه گذاشتن شناسنامه به هر جهت و در هر جا ممنوع است.

تعاریف و مفاهیم:

- برای اطفال زیر می‌توان شناسنامه صادر نمود:
- الف - اطفالی که پدر آنها ایرانی باشد.
- ب - اطفالی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران بدنیا آمده‌اند متولد شود.

سند:

سجلی. سند سجلی سندی رسمی است که ولادت هر فرد در آن ثبت و براساس آن شناسنامه صادر می‌گردد.

شناسنامه:

شناسنامه مدرک هویت و تابعیت هر فرد ایرانی می‌باشد.

سؤالات انتقادات و پیشنهادات

چنانچه سؤال، انتقاد و یا پیشنهادی در خصوص صدور شناسنامه نوزاد و یا سایر خدمات قابل ارائه توسط سازمان ثبت احوال کشور دارید می‌توانید با دفتر روابط عمومی سازمان تماس حاصل فرمائید.

دفتر روابط عمومی : تلفن : ۶۷۰۹۶۶۶ دورنگار: ۶۷۰۹۳۳۳

EMAIL: INFO@NOCRIR.COM

[بر گرفته از سایت سازمان ثبت احوال کشور]

آدرس سایت: www.nocrir.com

پیوست ۲: نام‌های پسران و دختران

نام‌های پسران:

آبان نام صحابی - آشکار - واضح

ابراهیم نام پیامبر - پدر جماعت بسیار - پدر عالی مقام

ابوبکر نام صحابی -

ابوذر نام صحابی -

أبی شیر - تصغیر أب

احسان نیکی - بخشش - خوبی

أحمد نام پیامبر - ستوده تر - حمید تر - احسن - ستوده

أحنف نام صحابی - پایدار در دین - درستکار

إدریس نام پیامبر - کسی که زیاد اهل علم باشد

أذهم نام صحابی - تیره گون - سیاه

أدیب دانا - سخن دان - با فرهنگ

أرسلان شیر - مرد شجاع - شیر درنده

آرشد درخشنده
 آرشد برومند - رشیدتر - تیز خاطر - باهوش‌تر - راه راست یابنده‌تر
 آرقم نام صحابی - ماری خطرناک - قلم - مار سپید و سیاه
 آرمان آرزو - خواسته
 أسامه نام صحابی - شیر - اسد
 إسحاق نام پیامبر - خندان
 أسد نام صحابی - شیر - شیر درنده - نیرومند - شجاع - نیک‌بخت
 أسعد نام صحابی - سعیدتر - نیک‌بخت‌تر
 أسلم نام صحابی - سالم‌تر - سلیم‌تر
 اسماعیل نام پیامبر - شنونده از خداوند - بلند
 أسید نام صحابی - بزرگوار کوچک
 أشجع شجاع‌تر - دلاورتر
 أشرف شریف‌تر - بزرگوارتر
 أشعث نام صحابی - ژولیده موی
 أشهب شیر پیشه - آب صاف - کارسخت - سفید مایل به سیاه
 اصغر کوچک‌تر
 أصمع شمشیر برنده - تیز خاطر - هوشیار - پرکار - زیرک
 أصهب سرخ مو - موی سرخ و سفید بهم آمیخته - شیر - مو بور
 اعتصام پناهنده شدن - خویشتن داری از گناه
 أفضل دارای حسب و نسب - صاحب فضل - فاضل‌تر - برتر
 اقبال سعادت - نیک‌بختی
 اکبر بزرگتر - مهتر
 ایاس نام پیامبر - خداوند خدای من است - شجاع

امان آسایش - آرامش - عهد - اطمینان
 امجد دارای عزت و فخر - بزرگوار - جوانمرد - شریف
 امید آرزو - آرمان - رجا
 امیر فرمانده - فرمانروا - سرور
 امین امانت‌دار - راستگو - صادق - درستکار
 اُمیه کنیزک
 انس نام صحابی - همدم - انس و الفت گیرنده - آرامش یافته به چیزی
 آنور روشن‌تر - درخشان‌تر - نیک‌تر
 اوس نام صحابی - بخشش و عطا - امیدواری - گرگ
 اویس هدیه کوچک - گرگ
 ایاد پشتیبان - پناه - حمایت - کوه محکم
 ایاس نام صحابی - نا امید شدن - بخشش - گرگ
 آیمن نام صحابی - سمت راست - صاحب یمن و برکت - سالم - رستگار
 آیوب نام پیامبر - برگشت به سوی خدا
 بابک امین - استوار - درستکار - پرورش دهنده
 باقر شکافنده - گشاینده - صاحب علم و مال
 باهر روشن - درخشان - آشکار
 بدر آقا - سرور - تمام و کامل گردید - ماه شب چهارده - زیبا
 براء نام صحابی - پاک - نخستین شب ماه
 بُرهان حجت - بیان واضح - حجت روشن
 بُرید پیک - سردی - گوارا
 بُریده نام صحابی - دانه‌های کوچک تگرگ - رهگذر
 بَسام خنده رو - خوشرو - گشاده‌رو

بَسْطَام تیزی شمشیر - نام شهری در خراسان قدیم
 بَشْر نام صحابی - شاد - خنده رو - زیبا
 بَشَّار بشارت دهنده - خنده رو
 بَشِیر نام صحابی - بشارت دهنده - مژده دهنده - خوبروی
 بکار پیشرو - متقدم
 بَکَر شتر جوان - پیشرو
 بَکیر اولین باران بهار - پیشرو
 بَلال نام صحابی - آب - تری و نم - پیروز
 بَنیامین برادر پیامبر یوسف - پسر دست راست
 بهادر دلیر - شجاع
 بَهْرَم ستاره مریخ - نوعی باد - درهم شکننده مقاومت - پیروزگر
 بهروز سعادت‌مند - خوشبخت
 بهزاد نیکو نژاد - نیکو زاده
 بهمن نیک اندیش - نیک منش - نیکو - راست گفتار
 بهنام نام نیک - خوشنام - نیک‌نام
 بیطار سازنده نعل حیوانات
 پارسا پرهیزکار - زاهد - متدین
 پیام رسالت - پیغام - الهام - خبر
 پیروز غالب - چیره - فرخنده - مبارک - شاد
 پیمان عهد - میثاق
 تَمیم نام صحابی - استوار - سخت - تمام و کامل در خلقت
 توفیق پیروز - موفق - کامیابی - یاری و تأیید - تأیید الهی
 تیمور آهن - فولاد

ثَابِت نام صحابی - استوار - محکم - پایدار - شجاع
 ثاقب سوراخ کننده - روشن - درخشان - متفکر - هوشیار
 ثَمِین گرانب‌ها - قیمتی

ثُوبان نام صحابی - بهبودی - سلامتی - توبه کننده
 جابر نام صحابی - قهرمان - زورگو - شکسته بند
 جاد کریم - باران فراوان - کوشنده در کار - خوش اقبال
 جاسم تناور - تنومند - دانا
 جاوید پایدار

جَبِیر نام صحابی - اصلاح امور و اشیا
 جَرَّاح نام صحابی - درمان کننده - کاسب
 جَرِیر نام صحابی - مهار - جاری - روان - گویا
 جَعْفَر نام صحابی - جوی پر آب - شتر پر شیر
 جلال بزرگی - عزت و شکوه - حکیم - محترم
 جلال بزرگوار

جَلِیل بزرگ - بزرگوار - بلند مرتبه
 جمال نیکو صورت - زیبا - زیبایی
 جَمال زیبایی - خوبی

جَمیل مرد زیبا روی و زیبا خوی - نیکی - خوب - نیکو - زیبا
 جُناده نام صحابی - یار و یاور - معاون
 جُنْدُب نام صحابی - نوعی از ملخ
 جندل اراده - قوت - سنگ بزرگ
 جُنید سپاهی کوچک - سربازی کوچک
 جَواد بخشنده - تیز رو - اسب اصیل

حَاتِم حاکم - قاضی - داور
 حَارِث نام صحابی - شیر - کاسب - کشاورز - جمع کننده چیزی
 حارِثه کشاورز - زراعت کننده
 حارس حفظ کننده - پاسبان
 حَازِم نام صحابی - با احتیاط - هشیار - دور اندیش
 حاطب جمع کننده چوب - یاری دهنده
 حافظ حفظ کننده - نگهدارنده اسرار
 حَامِد حمد کننده - ستاینده - شاکر
 حَبِیب نام صحابی - دوستدار - محبوب - یار
 حُجْر دامن و آغوش آدمی - بازداشتن - عقل - خرد
 حذافه
 حُذَيْفَه نام صحابی - نوعی پرند - کوتاه
 حُرّ آزاد - جوانمرد - کریم - برگزیده
 حِزَام کمر بند - هر چیزی که به آن چیزی ببندند
 حزم قوت - ماهر - هشیاری - دور اندیشی - بلند
 حُسام شمشیر بران - شمشیر تیز
 حَسَّان نام صحابی - بسیار نیکو - بسیار خوب - زیبا - زینت دهنده
 حَسَن نام صحابی - خوب - زیبا - نیک رو
 حُسَین نام صحابی - خوب - زیبا - نیک رو
 حَصَن نام صحابی - پناهگاه - پارسا
 حُصَین نام صحابی - محکم - استوار
 حُضَیر کسی که قصد مسافرت ندارد
 حفص شیر - زنبیل - خانه‌ی کوچک

حفیظ نگهبان

حکیم نام صحابی - دانشمند - دانا - درستکار - استوار

حُکیم داور کوچک

خلیم بردبار - شکیبا

حَمَد ستودن - ستایش کننده - شکر کننده

حَمَزَه نام صحابی - شیر - زیرک

حَمَّاد بسیار حمد کنند - ستاینده

حَمَّود ستوده - پسندیده - حمد کننده

حَمید پسندیده - ستوده - شکر کننده - ستایش شده

حَنْظَلَه نام صحابی - بوته‌ای که میوه‌ی تلخی دارد

حنیف راست - مستقیم - ثابت و پایدار در دین

حَنِيفَه راست - مستقیم - ثابت و پایدار در دین

حیدر شیر - شیر بیشه

حَيَّان زنده

خَالِد نام صحابی - جاودان - همیشه

خَبَّاب نام صحابی - حيله گر - تیزرو

خُبَيْب نام صحابی - فریب کار - تندرو

خُثَيم مردی که بینی‌اش پهن و کلفت است

خُزيمه نام صحابی - گل خوشبو

خَطَّاب آگاه - سخنور

خَلَّاد ابدی - جاودانی - مورد اعتماد

خَليل دوست - رفیق - یار - پند دهنده

خويلد پایدار - جاوید

دانیال خدا حاکم من است
 داوود نام پیامبر - محبوب
 دحیه نام صحابی - سردار لشکر
 ذکوان نام صحابی - هوشیار - تیز فهم - با ذکاوت
 رائد سفیر - پیک - پرچمدار - پیام‌آور - راهنما - جوینده
 رائف خیلی مهربان - مهر و رزنده
 راجی امیدوار
 راشد دیندار - متدین - کسی که در راه حق صلابت دارد
 رافع نام صحابی - درخشنده - بلند کننده
 رامین آرام
 رباح نام صحابی - سود و منفعت
 ربیع کسی که در فصل بهار به دنیا آمده - متوسط قد
 ربیع سودمند - سود آور
 ربیع بهار - گیاه یا باران بهاری - جوی خرد
 ربیع باغ - بهار - متوسط قد
 رجاء نام صحابی - امیدواری - امید - آرزو
 ریحیل قوی و توانا در سفر - بلند کردن
 رشاد راستی - پیروزی - پایدار - رستگاری
 رشید نام صحابی - شجاع - دلیر - خوش قد و قامت - رهبر
 رضا قانع - تسلیم - آرامش - خوشبخت - خشنود - راضی
 رضوان بهشت - خشنود کننده - رضایت
 رفاعة نام صحابی - رسایی - بلندی - شدت
 رفیع والا مقام - بلند مرتبه - شریف - نجیب

رفیق دوست خوب - همراه - دانا - زیرک
 رُکانه نام صحابی - با وقار و سنگین
 رواجه سرور - شادی
 ریاض باغ - گلستان
 زاید کثرت - بالنده - فراوان
 رُبید نام صحابی - عطیه - بخشش - شایسته - آشکار و واضح
 رُبیر نام صحابی - بسیار عاقل - زیرک - قوی و نیرومند
 رُزاره نام صحابی - با ذکاوت - چالاک
 رَعیم پیشوا - رئیس و رهبر
 رُفَر شجاع - بزرگ - بخشنده
 زَکریا نام پیامبر - یاد خدا
 زکوان پارسا - نیکوکار - پاکیزه
 زَکَى پاک - صالح
 زَمَعَه بخشنده - مصمم در کار
 رُهیر نام صحابی - زیبا - باطراوت - درخشان
 زیاد فراوانی
 زید نام صحابی - رشد - نمو - فراوانی
 زَیدان رشد - نمو - تشنه زید و زیاد
 ساریه ابری که در شب آمده و می‌بارد - ستون
 سالم نام صحابی - تندرست - درست - صحیح - بی‌عیب
 سامان آراستن - ثروت - توانایی - آرام
 سامِح بخشنده - انفاق کننده
 سامی عالی - بلند مرتبه

سجّاد بسیار سجده کننده
 سیراج چراغ - مهتاب - روشنایی
 سُراقه نام صحابی - تکه‌های حریر یا نوع خوب حریر
 سَعْد نام صحابی - مبارک - نیکبختی - خجسته - خوش‌یمن
 سُعود مبارک - نیک بخت - خجسته - سعادت
 سَعید نام صحابی - خوشبخت - نیکبخت - خجسته - سعادت‌مند
 سفیان نام صحابی - قد بلند
 سُفیان نام صحابی - وزیدن باد - کشتی ساز
 سَلام نام صحابی - درود - تسلیم - سلامتی - تسلیم - آرامش
 سُلطان برهان - قدرت - فرمانروایی
 سَلمان نام صحابی - سالم از عیوب - سلامت - سالم و مبرا از عیب و نقص
 سَلَمَه نام صحابی - پاک از عیوب
 سُلَیک نام صحابی - نوعی پرنده - رشته کوچک
 سَلیم سالم از آفت - تندرست
 سُلَیم نام صحابی - سالم
 سُلَیمان نام پیامبر - پر از سلامتی - پیروز - سالم
 سَمْرَه گندم‌گون
 سَمْعان شنوا
 سمیر سخنگوی شب - مونس
 سِنان - سَنان نام صحابی - سر نیزه - تیزی هر چیز
 سَهْل نام صحابی - آسان - نرم - نیک‌خو - نرم‌خو
 سُهَیل نام صحابی - آسان - نام ستاره‌های
 سُوید نام صحابی - تصغیر اسود - تیره گون - سیاه

سیف شمشیر - شکافته شده - تیغ
 سینا سوراخ کننده - دانشمند
 شافع شفاعت کننده
 شافی درمان بخش - شفا بخش - رضایت بخش - واضح
 شاکر شکر گزار - سپاس گزار - شکر کننده
 شاهد گواه - آشکارا
 شاهین زبانه ترازو - پرنده شکاری که وجه تسمیه او بخاطر اعتدال در سیری و
 گرسنگی است
 شایان سزاوار - زیبا - پسندیده
 شجاع قوی - نترس - نوعی مار - دلیر
 شداد نام صحابی - بسیار قوی و نیرومند
 شرف بزرگوار - مجد - بلند مرتبه
 شریح نام صحابی - تفسیر - تعریف مختصر - قطعه کوچک - شادی
 شریف صاحب شرف - شرافتمند - بلند قدر - ارجمند - خوب - ارزشمند
 شعبه شاخه درخت - تکه چوب - جوی بزرگ - ریشه
 شعب نام پیامبر - مرد دوری گزیده - مردی که شانه‌هایش عریض است
 شفیع شفاعت کننده - واسطه
 شفیق مهربان - دلسوز
 شکیب سخی - پاداش - بخشنده - صبر
 شمعون نام صحابی - شنونده
 شهرام مطیع
 شیبه نام صحابی - پیر - سفید موی
 شیث نام پیامبر - هدیه خدا

صائب راست - درست - حق - دارای فکر سالم
 صابر بردبار - شکيبا
 صادق راستگو - منخلص - راست و درست
 صالح نام پيامبر - شايسته - نيك - نيكوکار - پرهيزگار
 صدیق بسيار راستگو - کسی که سخنش با عملش یکی است
 صفدر صف شکن - شجاع - دلير
 صفوان نام صحابی - سنک صاف و صیقلی - روشنی - بی‌آلایشی - صفا
 صلاح خیر و نیکی - نیکو - شايسته
 صُهب نام صحابی - کسی که در مو و پوستش سرخی دیده شود - سرخ و سفید -
 شیر درنده
 ضياء نور - روشنایی
 طارق نام صحابی - مهمان شب - آهنگر - ستاره صبح
 طالب جوینده - شاگرد - خواهان
 طالع طلوع کننده - سرنوشت - هلال
 طاهر پاک - پاکیزه
 طاووس باهوش - بخشنده - زیبا - نام پرنده‌ای زیبا
 طلحه نام صحابی - درخت موز - شکوفه خرما
 طیب نام صحابی - پاک - خوب - بهترین
 ظاهر آشکار - نمایان
 ظَفَر به مراد رسیدن - پیروزی یافتن - نصرت
 عائذ پناهنده
 عابد عبادت کننده - بنده
 عادل دادگر - دادگستر - باعدالت

عارف عالم - آگاه - صبور
 عاصم نام صحابی - محافظ - پناه برنده - نگه دارنده
 عاطف شفیق - رحیم - مهربان - برگرداننده
 عاقب جانشین - تابع
 عامر نام صحابی - آباد کننده - بسیار عمر کننده
 عباد نام صحابی - جمع عبد - بندگان - عبادت کار
 عباده نام صحابی - عبادت کار - بندگی
 عباس نام صحابی - شیر بیشه - بسیار ترشرو - پهلوان - بسیار شجاع و دلیر
 عَبْدُ الْأَحَدِ بنده خدای یکتا و یگانه
 عبد الآخر بنده خدای همیشگی
 عبد الاعلی بنده خدای بلند مرتبه
 عبد الإله بنده خدای معبود
 عبد الاول بنده خدای نخستین و پیش از همه بوده
 عبد الباری بنده خدای آفریننده از عدم
 عبد الباسط بنده خدای فراخ دست
 عبد الباطن بنده خدای پنهان
 عبد الباعث بنده خدای بر انگیزنده بنده خدای
 عبد الباقي بنده خدای جاوید
 عبد البر بنده خدای نیکوکار
 عبد البصیر بنده خدای بینا
 عبد التَّوَّابِ بنده خدای توبه پذیرنده
 عبد الجبار بنده خدای قدرتمند و با جبروت - بنده خدای قاهر
 عبد الجلیل بنده خدای شکوهمند - بنده خدای بزرگوار

عبد الحفیظ بنده خدای نگهدارنده
 عبد الحق بنده خدای پایدار - بنده خدای راست
 عبد الحکم بنده خدای داور
 عبد الحکیم بنده خدای دانا
 عبد الحلیم بنده خدای بردبار
 عبد الحمید بنده خدای ستوده
 عبد الحی بنده خدای همیشه زنده
 عبد الخالق بنده خدای آفریننده
 عبد الخبیر بنده خدای بسیار آگاه
 عبد الرؤوف بنده خدای مهربان
 عبد الرافع بنده خدای برپا دارنده و بلند کننده
 عبد الرب بنده پروردگار
 عبد الرحیم بنده خدای مهربان
 عبد الرحمن بنده خدای بخشاینده
 عبد الرزاق بنده خدای روزی دهنده
 عبد السلام بنده آفریننده درستی - بنده خدای مبرا از نقص و فنا
 عبد السميع بنده خدای شنوا
 عبد الشکور بنده خدای سپاسگزار
 عبد الشهد بنده خدای بسیار آگاه
 عبد الصمد بنده خدای بی نیاز
 عبد الظاهر بنده خدای دانا به ظواهر امور
 عبد العزیز بنده خدای غالب - بنده خدای گرامی
 عبد العظیم بنده خدای بزرگوار - بنده خدای بزرگ

- عبد العلی بنده خدای بلند مرتبه
- عبد العلیم بنده خدای دانا
- عبد الغفّار بنده خدای بسیار آمرزنده
- عبد الغفور بنده خدای آمرزنده
- عبد الغنی بنده خدای بی نیاز
- عبد الفتّاح بنده خدای گره گشا - بنده خدای گشاینده
- عبد القادر بنده خدای توانا
- عبد القاهر بنده خدای غالب و قدرتمند - بنده خدای چیره شونده
- عبد القدّوس بنده خدای پاک و بدون نقص
- عبد القدير بنده خدای بسیار توانا
- عبد القهار بنده خدای چیره
- عبد القوی بنده خدای توانا
- عبد القیوم بنده خدای پایدار
- عبد الکبیر بنده خدای بزرگ
- عبد الکریم بنده خدای گشاده دست - بنده خدای بزرگوار
- عبد اللطیف بنده خدای باریک بین - بنده خدای نیکویی کننده
- عبد الله بنده خدا
- عبد المتعال بنده خدای بلند مرتبه
- عبد المتعالی بنده خدای برتر
- عبد المتین بنده خدای محکم کار
- عبد المّجیب بنده خدای اجابت کننده
- عبد المّجید بنده خدای ستوده شده - بنده خدای دارای قدر و مرتبه عالی و گرامی
- عبد الملک بنده خدای دارنده هستی‌ها

عبد المُنْعِم بنده خدای روزی دهنده
 عبد المَنَّان بنده خدای بسیار نعمت دهنده
 عبد المُهَيِّم بنده خدای مسلط
 عبد المؤمن بنده خدای امان دهنده
 عبد النَّصر بنده خدای پیروز
 عبد الهادی بنده خدای هدایت دهنده
 عبد الواحد بنده خدای یگانه و یکتا
 عبد الوارث بنده خدایی که بعد از فنای موجودات باقی است
 عبد الواسع بنده خدایی که دارای لطف و رحمت بی‌پایان است
 عبد الوالی بنده خدایی که سر رشته امور خلق در دست اوست
 عبد الودود بنده خدای بسیار دوست دارنده
 عبد الوکیل بنده خدای حفظ کننده
 عبد الوهَّاب بنده خدای بخشاینده
 عُیَیْد نام صحابی - بنده کوچک
 عُیَیْدُ الله بنده کوچک خدا
 عُیَیْدَة نام صحابی - بنده کوچک
 عُتَبَة نام صحابی - دره - رودخانه - رضایت
 عتیق آزاده از آتش - کریم - قدیم
 عُثْمَان نام صحابی - بچه ازدها - بچه مار - نام پرنده‌ای
 عداس حرکت کننده - کوبنده - عدس خوار
 عدنان عادت کرده - انس گرفته
 عَرَباض نام صحابی - درشت و استوار - توانا - شیر
 عَرَفَان نیکی - معروف - ثنا - بخشش - شناخت

عُروه نام صحابی - بهترین مال - شیر - مورد اعتماد
 عزام عزم - اراده قوی - از اسامی شیر
 عصام نام صحابی - دسته - بند مشک - شریف - عهد و پیمان
 عطا بخشش - هدیه
 عَطَّار عطر فروش - کسی که دارو و چیزهای خوشبو می‌فروشد
 عطیه نیکی - هدیه - بخشش
 عظیم دارای عظمت و قدرت - بزرگ
 عَفَّان نام صحابی - نام صحابی - پاکدامن - باحیا - نجیب
 عُفَیر نیرومند و ستبر و محکم کوچک - مرد خاکی رنگ کوچک
 عَفیف پاکدامن - پرهیزکار
 عُقبه نام صحابی - بازمانده - جانشین - پایان
 عَقِیل نام صحابی - زیرک و خردمند - گرامی - عاقل - بزرگوار
 عُكَّاشه نام صحابی - تار عنكبوت
 عکرمه نام صحابی - کبوتر - تاریکی شب
 عَلَا بزرگوار - شریف - بلندی قدر
 عَلقمه نوعی گیاه تلخ
 علی نام صحابی - بلند - ارجمند - شریف - بزرگوار - توانا
 عماد رئیس - شریف - ستون - تکیه‌گاه
 عماره نام صحابی - تاج - سازنده
 عُمَر نام صحابی - حیات - سازنده - آباد کننده
 عمران نام صحابی - آبادی - تمدن
 عمرو نام صحابی - آبادی - حیات
 عَمَّار نام صحابی - باوقار - بردبار - ثنا گوینده - مرد با ایمان - ثابت استوار

عمید رئیس - حاکم
 عُمیر نام صحابی - تصغیر عمر - آبادی
 عُمیس شیر دلیر و سر سخت - به بیراه رفتن
 عنایت مهربانی - لطف - نیکی
 عوف نام صحابی - شیر - مهمان - کار و کوشش
 عون یاری دهنده - خادم
 عَوّام شناگر زبر دست - اسب تندرو
 عَیّاض نام صحابی - بدل - بسیار بخشنده
 عیسی نام پیامبر - نجات دهنده
 غضنفر شیر عظیم الجثّه
 غیاث یاری - مساعدت - فریاد رس
 غیث ابر - باران
 فُؤاد قلب - دل - عقل - موفق - پیروز
 فائز پیروز و رستگار
 فائق برگزیده - برتر
 فاروق جدا کننده حق از باطل
 فاضل کریم - برتر - نیکو - پسندیده
 فَرَج گشایش - خرسندی - رهایی
 فرحان خوشحال - شاد - مسرور
 فَرُخ مبارک - خجسته - خوشبخت - ارجمند - خوب
 فَرُخ مبارک - نیک - فرخنده
 فرزاد با فر و شکوه - با عظمت
 فَرزاد با فر و شکوه - با عظمت

فرشاد برهان - شکوه - شادی
 فَرشاد برهان - شکوه - شادی
 فرشید شکوه - روشنایی
 فَرشید روشنایی - شکوه
 فرقان جدا کننده حق از باطل - برهان
 فَرهاد یاری
 فرید بی نظیر - نادر - یکتا
 فریدون بی همتا
 فضاله احسان - باقی هر چیز
 فُضَل نام صحابی - بخشش - احسان - افزونی - باقی مانده - لطف
 فُضَیل با فضل - برتر - بخشنده
 فَهْد یوز پلنگ
 فوزان پیروز
 فیروز منصور - پیروز
 فیروز نام صحابی - پیروز
 فیصل جدا کننده حق از باطل - حاکم - شمشیر بران
 فیض پر و زیاد - بهره - بخشش
 فِیاض جوان مرد - بخشنده - جوی پر آب
 قَابوس مرد نیکو روی
 قاسط عادل - منصف
 قاسِم نام پسر پیامبر - قسمت کننده - پخش کننده - توزیع کننده
 قاصد جوینده - اراده کننده
 قُبَاد محبوب - سرور

قُتَادَه نام صحابی - نام صحابی - نوعی گیاه خار دار
 قُتیبَه پالان کوچک - روده کوچک
 قُتَم بسیار بخشنده - جمع کننده نیکی
 قُدامه نام صحابی - متقدم - اول صف
 قَسام زیبایی - جمال
 قَسَامَه حسن - زیبایی - نیکویی - آرامش - آرامش
 قَصام نابود کننده - جدا کننده
 قُصَى دور - بسیار دور
 قیس نام صحابی - برازندگی - سخت
 کاظم کسی که خشمش را می‌خورد - بردبار
 کامران کسی که هر چه بخواهد برایش مهیا شود - موفق - خجسته - مبارک
 کریم بخشنده - با عزت
 کعب نام صحابی - بزرگی - بند استخوان
 کمال صاحب اخلاق و اعمال کامل - بی‌عیب - نهایت
 کُمیل بسیار کامل
 کنعان خشوع و خضوع - بخشنده و کریم - حلیم و بردبار
 لیب زبرک - عاقل - خردمند
 لُقمان راه روشن - ساکت کننده دشمن - مانع
 لُهیَعَه مرد غفلت زده - مردی که با همه انس می‌گیرد
 لوط نام پیامبر - دوست شدن - ملحق شدن کسی به کسی
 لیث مرد سخنور - شیر بیشه - دلیر - شجاع - زبرک
 مؤید تأیید شده - توانا
 مَؤید تأیید کننده

ماجد بزرگوار - خوش اخلاق
 مَاعِز نام صحابی - مفرد معز - تیز خاطر - استوار - کوشش کننده در کار
 مَالک نام صحابی - صاحب ملک - دارنده و صاحب اختیار چیزی
 مأمون فرد مورد اعتماد - امین
 ماهر حاذق - چیره دست - استاد در کار
 مُبَشِّر مژده دهنده - خوش خبر
 مبین آشکار - فصیح - آشکار کننده - روشنگر - روشن
 مُتَوَكِّل نام صحابی - تکیه کننده - توکل کننده - با توکل
 متین قوی - پر طاقت - وقار - محکم و استوار
 مُجَاهِد جهاد کننده در راه خدا - کوشش کننده
 مُجْتَبِی مختار - انتخاب شده - برگزیده
 مَجْد جلال - عظمت
 مُجِيب جواب دهنده - اجابت کننده
 مَجِيد صاحب عزت - دارای قدر و مرتبه عالی - گرامی - خوش اخلاق
 مُجِب دوست - مونس - همدم - دوستدار
 مُحْسِن نیکو - بخشنده - زینت دهنده - نیکوکار
 مُحْصِن پاکدامن - نگهبان - محافظ
 محمد نام پیامبر - ستوده - نیک‌خو - نیکوسرشت - دارای صفات نیکوی بسیار
 مَحْمُود نام صحابی - نیکو سیرت - ستوده - ستایش شده - نیک
 مُخْتَار انتخاب شده - صاحب اختیار - برگزیده
 مَخْلَد جاویدان - همیشگی - پاینده
 مُرَاد هدف - آرزو - مقصود
 مُرْتَضَى کسی که مردم از او راضی باشند - پسندیده شده - مورد رضایت و پسند

مرثد کریم - شیر - جوان‌مرد
 مَرَحَب نام صحابی - بزرگی - فراخ شده - خوش آمد
 مَرِداس نام صحابی - سخت - طولانی
 مَرزوق روزی‌مند - روزی داده شده
 مُرشد واعظ - راهنما
 مَروان گیاه خوشبو - سنگ تیز - سنگ چخماق سفید
 مُرید صاحب اراده - مطیع
 مساعد یاور - معاون
 مَسرور خوشحال - خوش‌بخت - شاد
 مَسطح تیرک وسط خیمه - محل خشک کردن خرما
 مَسعود نام صحابی - میمون - مبارک - فرخنده - نیکبخت - خجسته
 مُسلم نام صحابی - مسلمان - تسلیم شده
 مَسلمة تسلیم شدن - اطاعت
 مُسیب نام صحابی - آزاد کننده - بخشنده - عطا دهنده
 مشتاق جوینده - راغب - آرزومند - طالب
 مشرف شرافت‌مند - سزاوار - سرافراز - بزرگ
 مشعل چراغ
 مُشفق رحیم - عطف
 مشهور معروف - نام‌آور
 مصباح چراغ
 مُصطفی انتخاب شده - مختار - برگزیده
 مُصعب نام صحابی - سرکش - کار سخت
 مُصلح اصلاح کننده

مُصِيبٌ اندیشمند - صاحب رأی - درستکار
 مُظَفَّرٌ پیروز - به مراد رسیده - موفق
 معاذ نام صحابی - پناه دهنده - جای پناه - پناهگاه
 معاویه نام صحابی
 مُعْتَصِمٌ پناهنده - یاور - پناه گیرنده - جای پناه
 مُعْتَمَدٌ مورد اعتماد
 مَعْرُوفٌ مشهور - احسان
 مُعِينٌ یاور - کمک کننده
 مُغْيِرَةٌ نام صحابی - حمله کننده
 مُفْتِاحٌ آسان کننده امور - کلید
 مَفْلَحٌ رستگار - پیروز
 مُقْبِلٌ روی آورنده - خوشبخت - خوش اقبال
 مُقَدَّدٌ بُرْنَدَةٌ - بسیار قطع کننده
 مُنْجِدٌ یاور - یاری دهنده
 مُنْذِرٌ ترساننده - بیم دهنده
 مُنْصُورٌ یاری شده - نصرت شده - پیروز - موفق
 مُنْعَمٌ بسیار بخشنده - ثروتمند - توانگر - محسن
 مُنِيبٌ موکل - درخواست کننده - توبه کننده
 مُهَاجِرٌ هجرت کننده
 مُهْدِيٌ هدایت شده - ارشاد شده
 مِهْرَانٌ نام صحابی - دارنده - ارشاد شده
 مُوسَى نام پیامبر - از آب گرفته شده - نجات یافته
 مِثْمٌ نشستن با شدت بر زمین

نادر کمیاب - بی نظیر
 ناصح پند دهنده - مرشد - خیر خواه
 ناصر یاور - یاری کننده
 نافع نفع رساننده - سودمند - مفید
 نایف بلندی - بلند
 نبیل زیرک - فاضل - نجیب - نیکو
 نجیب کریم - فاضل - شریف - پاکدامن - پارسا - جوان مرد - گرامی
 ندیم رفیق - دوست - همدم
 نذیر بیم دهنده
 نسیم هوای لطیف - باد خنک
 نصر نام صحابی - یاری - یاری کننده - کمک کننده
 نصیر یاری دهنده - یاور
 نعمان نام صحابی - نعمت - خوشی - گل لاله - گل سرخ
 نعیم مال - ثروت - خوشی زندگی - بخشش
 نفیل غنیمت - هدیه
 نوح نام پیامبر - بوی خوش - گریه کننده
 نوفل نام صحابی - بخشنده - دریا - عطا - زیبا
 نوّاس متحرک
 نوید مزده - خبر خوش - وعده نیک
 نیما نام آور
 هادی راهنما - مرشد - شیر
 هارون نام پیامبر - دربان - پاسبان - قاصد - کوه نشین
 هاشم کریم - بخشنده - ماهر - خرد کننده

هانی نام صحابی - خدمت‌کار - خوشحال - راحت - مسرور
 هِشَام نام صحابی - بخشش - سخاوت - جوان‌مردی - جوان‌مرد
 هِلَال نام صحابی - ماه نو - زیبا
 همام بزرگ و دلیر و بخشنده - شیر - شجاع - ارجمند
 هَمَام نام صحابی - بلند همت - با اراده
 هُود نام پیامبر - توبه‌کننده - بزرگواری
 هوشنگ هوش - آگاهی - عقل - خرد
 هوشیار زیرک - عاقل - باهوش
 هیثم نام صحابی - آسان - پر پشت - عقاب - زمین نرم - خاک سرخ
 وائل نام صحابی - رجوع‌کننده - کوشش‌کننده برای نجاتش - طالب رستگاری
 وحید نابغه - یگانه - بی‌نظیر - یکتا
 وسام زیبا - خوب رو - علامت - شعار
 وسیم نیک‌منظر - جمیل - زیبا
 وقاص جمگجگو - گردن‌شکننده - کسی که چوب را می‌شکند و در آتش می‌اندازد
 وکیع رهرو - استوار - نیش‌زننده - مهار
 ولید بنده - بچه کوچک - نوزاد
 وهب هدیه - بخشش - عطا
 یاسر نام صحابی - نرم - آسان
 یحیی نام پیامبر - زنده شده - نعمت خدا داد
 یزید نام صحابی - رشد - نمو
 یسار نام صحابی - فراخی - آسانی - فراخی در نعمت - ثروت
 یعقوب نام پیامبر - خلع‌یدکننده - پاشنه را می‌گیرد - کبک‌نر - اسب - جوی آب
 یمان نام صحابی - اهل یمن - راست

یوسف نام پیامبر - زیاد کننده - افزاینده
 یونس نام پیامبر - برگزیده خدا - خدا می‌دهد - کبوتر

نام‌های دختران:

ابتسام خنده رو - خوشرو - تبسم - زیبا
 ابتهاج شادمانی - خوش و خرم - شاد شدن
 آرزو امید - انتظار - میل
 آرمغان ره‌آورد - سوغات
 آرومی روایت کننده تر - سیراب تر - زن زیبا چهره - زن شریف و توانا
 اسراء حرکت در شب
 اسماء نام صحابی - نام نهادن - نیکو - زیبا - دارای شأن و مقام بزرگ و والا
 آسیه اندوهگین - مهربان کننده - گیاه سبز - ستون
 اشرف شریف تر - والاتر - بزرگوarter
 اعظم بزرگ - بزرگوarter
 اکرم گرامی تر - بخشنده تر - بزرگوarter
 الهام آنچه خدا به دل افکند - در دل انداخته شده
 الهام توفیق
 امامه نام صحابی -
 امامه رهبر - پیشوا - رئیس
 آمنه نام مادر پیامبر - مطمئن - مورد اعتماد - سالم
 امیره دختر حاکم - رئیس - سرور
 امیمه نام صحابی - والده

آمینه نام صحابی - معتمد - راستگو - درستکار - صادق
 آنیسه همدم - همنشین - انس گیرنده
 آنیسه نام صحابی - انس گرفته - مانوس شده - مونس - مرغی تیز بین
 آیدا یاری نمودن
 بتول پاک - عابده - دوشیزه - پاکدامن - قاطع
 بدریه زیبا مانند ماه - زیبا رو - ماه شب چهارده
 بریره نام صحابی - راه و طریق - یک میوه از پیلو
 بیره نام صحابی - نو - تازه - آفتاب وقت برآمدن
 بشری مژده دهنده - خبر خوش
 بصیره زن زیرک - ماهر در امور - دانا - تیز خاطر - عاقل
 بلقیس زنی زیرک و دانا که ملکه منطقه سبأ بود و نام او در قرآن آمده - باکره
 بنانه سرانگشت - باغ - علفزار
 بهار زیبایی - بوی خوش - گیاه خوش بو - شادابی
 بهاره منسوب به بهار - به عمل آمده در بهار
 بهجه شاد و خنده رو - خوشحالی - نشاط
 بیضاء نام صحابی - سفید - پاک و طاهر - زن سپید پوست - نعمت - قدرت
 پرستو نوعی پرنده سفید و سیاه
 ثریا آسمان - نام ستاره‌ای - کثرت عدد
 ثمینه گران قیمت - گرانها - قیمتی
 ثنیه مدح - ستایش - دامنه کوه - محل سربالایی کوه
 ثویبه نام صحابی - تصغیر ثوب به معنای لباس - گروه - گروه دلاوران
 جاریه نام صحابی - دختر جوان و کم سن و سال - کنیزک - خدمتکار
 جثامه مهتر حلیم

جَمیل زیبا - نیکو روی - خوب - نیکو
 جَمیله زن زیبا روی و نیکو خوی - نیکو - خوب - نیکو
 جُویریه نام ام المؤمنین - تصغیر جاریه - کنیز - دوشیزه - خدمتکار - سفت و سخت
 حَبیبه نام صحابی - مطلوب - مرغوب - محبوبه - دوست
 حدیثه جدید - نو
 حَسَّانه بسیار نیکو و زیبا - زینت دهنده
 حَسَناء زیبایی که حسن و زیبایی آن آشکار است - بسیار نیکو - زیبا - خوب
 حُسَنی (حُسَنا) مؤنث حسن - نیکو - زیبا - خوب
 حصناء پارسا - عفیف
 حَفصه نام ام المؤمنین - اسد - شیر
 حُکیمه دانا و زیرک - استوار
 حُکیمه دانا - زیرک کوچک
 حلیمه نام صحابی - دارای حلم و بردباری - پوشاننده - بردبار - عاقل
 حَمَنه نام صحابی - نوعی انگور - دانه‌های کوچک در میان دانه‌های بزرگ
 حَمیده ستوده شده - بسیار حمد کننده - ستایش شده - پسندیده
 حُمیراء نام صحابی - سفید - سرخ و سفید
 حنان لطف - ترحم - نرم دل - بسیار مهربان - بخشاینده
 حَنیفه پاک - ثابت قدم در دین - درست
 حَوَّاء نام صحابی - صدا - آواز
 حَوَّاء همسر آدم - باغ پر درخت - زندگی - متمایل به سیاه
 خالده نام صحابی - جاویدان - کوهی سخت
 خَدیجه نام ام المؤمنین - متولد شده قبل کامل شدن از نه ماه
 خَنساء نام صحابی - دارای ساق پای کوچک - ماده آهو

خَوَلَه نام صحابی - آهوی ماده
 ذَكِيَه باهوش - تیز خاطر
 رُؤْيَا خواب - آنچه در خواب دیده شود - دیدن با چشم یا عقل
 رَائِدَه پیام آور - راهنما - جوینده
 رَابِعَه چهارمی - مطمئن - زمین حاصل خیز - نیکو حال
 رَاِحَلَه کوچ کننده
 رَاِحِيَل سفر کننده
 رَاَشِدَه عاقل - راهنما - دیندار - متدین
 رَاَضِيَه قانع - راضی - پسندیده - خشنود
 رَأْفَت مهربانی - شفقت
 رَاَفِعَه بلند کننده - حمل کننده
 رَاَوِيَه ناقل حدیث - روایت کننده
 رَبِيعَه باغ - سنگ زور آزمایی
 رَجَاء نام صحابی - امیدواری - امید - آرزو
 رَحِيْمَه دل نرم - مهربان
 رُقِيَه نام دختر پیامبر - مروارید درشت - مروارید آب دار
 رَمَلَه نام ام المؤمنین - ریگ - توده ریگ
 رُمَيْثَه نام صحابی - تکه چوب - افزون - باقی مانده شیران
 رُمَيْحَا نیزه - عصا
 رُمَيْصَا نام صحابی - نام ستاره‌ای - ایجاد کننده صلح
 رِيْحَانَه گیاه خوشبو - گیای خوشبویی که در زمین نرم روید
 رُؤْبِيَه دارای موی زیاد - نقطه سیاه - کشمش
 زَبِيْدَه نخبه - خلاصه هر چیز و بهترین آن - عطیه - بخشش - خامه

زعیمه کفیل - رئیس - رهبر
 زلیخا پیش قدم - جای لغزیدن پا به لحاظ داشتن زیبایی زیاد
 زمزم آب زیاد - جمع کردن اشیاء پراکنده - آهسته آهسته
 زهراء سفید - درخشان - نورانی
 ژهره نام سیاره‌ای درخشان
 زیبا شایسته - لایق - زینده - جمیل
 زینب نام ام المؤمنین - پردل و شجاع - درختی خوش منظر و خوشبو - پاکیزگی و
 آراستگی
 زینت زیور - آرایش
 ژاله باران - شب‌نم
 ساجده سجده کننده
 سارا همسر پیامبر ابراهیم - خالص - پاک - ناب - بی‌ریا
 ساره همسر پیامبر ابراهیم - شاد و شاد کننده - امیر - منتخب
 ساعده یاور - از اسامی شیر - مجرای آب که به دریا می‌ریزد
 سالمه سالم - صحیح
 سامره نام صحابی - همدم - سخنگو در شب
 سامیه بلند مقام - عزیز
 سحر اول صبح - کناره هر چیز
 سحر سپیده دم - صبح
 سعاد خوشبخت
 سعديه برکت - سعادت‌مند - خوشبخت
 سعیده نیک بخت - بهرمنند
 سکینه آرامش - آهستگی - آسایش - شاد

سلمه نام صحابی - پاک از عیوب
 سَلْمَى (سلما) نام صحابی - سالم - صحیح
 سلیمه سالم از عیوب
 سمانه آسمان - نام پرنده‌ای
 سمیرا زن گندم گون
 سمیره سخنگو در شب - همدم - زن گندم گون
 سُمیّه نام صحابی - بلندی - برتری
 سَناء - سنا روشنی کمتر از نور و ضیاء - بلندی - شرافت
 سنیه بلند مقام - درخشان
 سهله نام صحابی - نرم و آسان - خوش اخلاق
 سهیلا نرم - ملایم - آسان
 سوده نام ام المؤمنین - ثروت زیاد - نخلستان - بزرگ - سیاه رنگ - لمس شده
 سُویده زن ظریف و نازک اندام
 سیماء علامت و نشانه - چهره و قیافه - صورت
 سیمین درخشان - سفید - زیبا
 شریفه صاحب شرف - ارجمند - ارزشمند - بلند قدر
 شِفَاء نام صحابی - علاج - تندرستی
 شفیع شفاعت کننده - واسطه
 شفیه مهربان - رحیم
 شَمْسِیّه خورشید
 شُمَیسه آفتاب کوچک
 شهلا کسی که در چشمش سیاهی و کبودی باشد - دارای چشم سیاه رنگ - زیبا

شیماء نام خواهر شیری پیامبر - خوش خلق و خوی - شهامت و عزت نفس -
خالددار

صالحه نیکوکار - پاک - پرهیزکار - شایسته

صبا نسیم خنکی که از شرق می‌وزد - شوق و جوانی

صبیحه اول صبح

صدیقه بسیار راستگو

صفا پاکی

صَفِيَّه نام ام المؤمنین - یک رنگ و صمیمی در دوستی - عزیز - خاص و گزیده

طاهره پاک از عیب و نقص و نجاسات

طیبه پاک - بخشنده - خوش اخلاق

عائده برگشت کننده - زیارت کننده

عائشه نام ام المؤمنین - زنده - گوارا - دارای زندگی نیک - زن نیکو حال

عابده عبادت کننده

عاتکه نام صحابی - بزرگمنش - کریم - پاک از هر بدی - امیر

عارفه دانا - آگاه

عاطفه دلسوز - رحیم - محبت - مهربانی - مهر

عالیه بلند مرتبه - عزت - بسیار خوب - دارای ارزش و اهمیت - والا

عذرا دوشیزه - باکره - آشکار

عسل شیرین - دوست‌داشتنی - عسل

عَطِيَّه نام صحابی - بخشیده شده - جایزه

عفراء ریگ سرخ - شب سپید - زمین دست نخورده - سفید

عفیفه پارسا - پرهیزگار - پاکدامن

غزاله آهو - آفتاب اول صبح

فائزه پیروز - موفق

فائقه پیروز - غالب - برتر

فآخته نام صحابی - مرغی است معروف یا قمری

فاضله برتر - دارای فضل و کمال - پاک - نیکو

فاطمه نام دختر پیامبر - بازداشته شده از شیرخوارگی - نگهدارنده خود از شهوات و

گناهان

فتحیه پیروز - موفق - غالب

فرحانه خوشحال - شاد - مسرور

فردوس باغ و بستان سرسبز - بهشت

فروه تاج - غنا و ثروت

فریده بی نظیر - نفیس - گران قیمت

فُریعه نام صحابی - شاخه - کمان - بلندمرتبه - مو بلند

فصیحه گویا - بلیغ - فصیح در بیان

فضیله برتر - دارای زیبایی و اخلاق نیک

فهیمه دانا - عاقل - فهمیده

فوزیه پیروز - موفق - رستگار

کریمه نام صحابی - بخشنده - نیک خو

کُلْثُم پر گوشت رخسار

اُم کلثوم نام دختر پیامبر - پر گوشت رخسار و نیکو روی - بخشنده - مهتر - نهری

در بهشت

کوثر خیر زیاد - نهری در بهشت - بزرگ زنان

کوکب ستاره - رئیس - سرکرده - نیک رو

گُبابه نام صحابی - خردمند - عاقل - منتخب و برگزیده - آرزو

لطیفه رحیم - شفیق
 لیلی (لیلا) شب تاریک
 ماجده فاضل - شریف - سخاوت‌مند - دارای حسن خلق - بزرگوار
 ماریه نام ام‌المؤمنین - زن سفید و درخشان - درخشانده
 مازنه زیبا رو - ابر باران آور
 محبوبه دوست داشتنی - مطلوب - مورد محبت
 محسنه نیکو کار - زینت دهنده - آراسته - زیبا
 محفوظه حفظ شده
 مدیحه بسیار ستوده شده
 مرجان گوهر سرخ رنگ
 مرجانه مروارید - لؤلؤ
 مرضیه راضی شده - اطاعت شده - پسندیده
 مریم نام مادر پیامبر عیسی - بلندی - گرمای دریا - پارسا - گلی خوشبو
 مژده بشارت - خبر خوش
 مستوره پوشیده - عفیف - پاکدامن
 معاذه حفظ شده - پناه جو
 منور درخشان - روشن - نورانی
 منی (منا) آرزو - هدف - مقاصد
 منیره روشن - نورانی - درخشان - آشکار
 مهدیه هدایت شده
 میمونه نام صحابی - مبارک - موفق - پیروز - آسان
 مینا جواهر - آینه - نام پرنده‌ای - گلی زینتی
 مینو فردوس - بهشت - روان

ناجحه پیروز - بلند مرتبه
 ناجده بلند مرتبه - پیروز - آشکار - یاری دهنده - روشن کننده
 ناجیه پیروز - موفق - سالم - رستگار - نجات دهنده
 نادیه بخشنده - شبنم - ندا دهنده
 نازنین لطیف - ظریف - بسیار دوست داشتنی - زیبا - با ارزش - گرامی
 ناصحه مرشد - راهنما - دلسوز
 ناهده شیر بیشه - بلند - مرتفع
 ناهید نام ستاره‌ای
 نبیله نیکو صورت - شریف - نجیب - زیرک
 نجمه ستاره - کوکب
 نجیبه زیرک - بخشنده - شریف و گرامی - پارسا - ستوده شده
 ندی (ندا) باران - شبنم - جود و کرم - صدا
 ندیه کریم و سخاوتمند - تازه
 نرگس نام گلی
 نسترن نام گلی
 نسرین نام گلی
 نسیبه دارای حسب و نسب - شریف
 نسیبه نام صحابی - دارای حسب و نسب - شریف
 نصرت یاری - خوبی - پیروزی - موفقیت - یاری کردن
 نصره یاری - کمک - تأیید - باران تام
 نصره شمش طلا - نعمت - ثروت - زیبایی
 نعمه فراخی - آسودگی در زندگی - آسودگی
 نعیمه نعمت - رفاه - مقام - خوشی

نَفِيسَه لطيف - گرَناميه - نادر - ارجمند
 نورَه نور - سفيدى - روشنايى
 هاجر نام همسر پيامبر ابراهيم عليه السلام - درختى خوشبو و زيبا - فاضل بر ديگران - لايق
 - مهاجر
 هاديه راهنما - مرشد
 هاله نام صحابى - آرام - خرمن ماه - زيبا
 هانيه هديه - خوشحال - آسان - شادمان - خوشبخت
 هدى راهنما - استقامت - صلاح - هدايت - راه راست
 هُما فرخنده - نام پرنده‌اى
 هند نام صحابى - گله شتران
 هنيه شاد - خوشبخت
 وائله پناه گيرنده
 وائله جمع نمودن ثروت - رشد مال
 وحيدَه بى نظير - نادر - يکتا
 وسام علامت - نشان
 وفا پايدار در قول و قرار - دوستى - رفاقت
 وفاق مناسب
 ياسمين نوعى گل - گلى خوشبو
 يُسرى (يسرا) بهشت - آسانى - چپ
 يُمنى (يمنا) مبارک - راست